



## نگذاریم اردشیر را به جهنم جمهوری اسلامی بازگردانند!

راهی جمهوری اسلامی کند. اردشیر قلی پور یک نویسنده طراح و نقاش است که در ایران با قلم و هنرش علیه جمهوری اسلامی فعالیت کرده است. وی یک بار در سال ۱۳۶۶ توسط نیروهای رژیم دستگیر و بمدت ۲۱ ماه در شجته گاه اوین بسر رد شده است. و این یعنی اینکه اردشیر مقالات و وزارت مهاجرت استرالیا هر طرحها و نقاشی های متعددی لحظه ممکن است اردشیر را علیه جمهوری اسلامی نوشته و



اردشیر قلی پور پناهجوی ایرانی که مدت ۵ سال است در بازداشتگاههای اداه مهاجرت استرالیا بجرم درخواست پناهندگی بازداشت میباشد، اخیرا در خطر جدی پیورت قرار گرفته است. اردشیر روز جمعه ۱۴ ژانویه متوجه میشود که درخواست اقامت وی در استرالیا بر مبنای انسان دوستانه نیز توسط اداره مهاجرت استرالیا

## مصافهای سیاسی تشکیلاتی فدراسیون در آلمان

### آلمان را باید زیرو رو کنیم

مصاحبه همبستگی هفتگی با وریا احمدی دبیر موقت فدراسیون در آلمان



همبستگی هفتگی: شما ملتانی است بعنوان دبیرموقت فدراسیون در آلمان تا مقطع کنفرانس کشوری

انتخاب شدید. چه اولویتهایی را عرصه تشکیلات و سازماندهی در دستور کارتان گذاشته اید؟ اعتراضات میخواهید چه کار کنید؟

وریا احمدی: در واقع سه اولویت را در دستور کار گذاشته ایم. وریا احمدی: در عرصه بازسازی و فعال کردن واحدهای تشکیلاتی میخواهیم سریعا به تشکیلاتی فدراسیون در آلمان گسترش و فعال کردن واحدها اولویت اول ماست. اولویت بعدی دست بزنیم. ما در واقع در آلمان سازماندهی اعتراضات در دفاع واحدهایی داریم که الان نافع از حقوق پناهندگان و علیه شدند واحدهایی داریم که اجحافات و تعرضات مقامات فعالیتهایشان کم است و در دولتی نسبت به پناهجویان و بعضی مناطق اصلا واحد پناهندگان. و الویت بعدی ما نداریم. ما میخواهیم واحدها برگزاری کنفرانس کشوری آلمان نافعمان را فعال کرده و واحد است. کم فعالمان را بشاش ترو و قبارق

همبستگی هفتگی: یعنی در ادامه در صفحه ۲

## ملاقات با مسئولین کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در ژنو در خصوص پناهندگان ایرانی در ترکیه

روز دوشنبه ۲۴ ژانویه هیئتی از دبیرخانه مرکزی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی قرار ملاقاتی با دو تن از مسئولین اروپایی و بخش ترکیه کمیساریای پناهندگان سازمان ملل در ژنو داشته و در خصوص وضعیت پناهندگان ایرانی در ترکیه به بحث و مذاکره خواهند پرداخت. خواهد بود. همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی تلاش برای ملاقات با دو تن از مسئولین اروپایی و بخش ترکیه کمیساریای پناهندگان سازمان ملل، آغاز دور دیگری از یک

ادامه در صفحه ۲

صدهزار بار میگویم  
برنمیگردم!  
فریبا صدری

تنها برای یک جای امن  
برای زیستن

نامه یک دختر ۱۵ ساله

پشت ابرهای  
خاکستری زندگی من

صدای قفل کمپ ها در  
هلند  
کیوان قدیری

آغاز و پایان یک تحصن  
و درس هایی از آن



با سرکوب خونین انقلاب ایران و تحمیل يك زندگي فوق ارتجاعي به مردم، دهها هزار انسان گريخته از دست جمهوري اسلامي، تنها و بدون تشكّل راهي بسوي امنيت و آرامش در وراي مرزهاي ايران مي جستند. متشكّل كردن اين موج عظيم انساني حول مدرن ترين و انساني ترين دست آوردهاي بشري، دفاع بي قيد و شرط از حق پناهندي مردم ايران و قرار دادن اين مردم در کنار مبارزات انسان دوستانه و كارگري در غرب عليه راسيسم، فاشيسم و نابرابري اجتماعي، ايجاد سازماني غيرحزبي و فرامحلي بدون در نظر گرفتن مليت، مذهب، جنسيت و تعلق تشكيلاتي را به يك ضرورت فوري تبديل مي كرد. همبستگي \_ فدراسيون سراسري پناهندگان ايراني پاسخ منصور حكمت به اين ضرورت بود.

بقول او: " همه داستان زندگي ما تغيير زندگي انسان است."

## نگذاريم اردشير را به جهنم جمهوری اسلامی بازگردانند

داده و به هر طريق ممكن تلاش ميکند تا کميساريای پناهندگان سازمان ملل را براي پذيرش اين مطالبات تحت فشار قرار دهد

كنيد  
**همبستگی فدراسيون  
سراسری پناهندگان  
ایرانی**  
۲۰ ژانویه ۲۰۰۵

حقوق انسانی و پناهندي در سراسر جهان را فرا می خواند که در حمايت از اردشير قلی پور به وزارت مهاجرت استرالیا اعتراض کرده و از حق پناهندي وی دفاع کنند. براي امضای طومار حمايتياز اردشير به اين آدرس مراجعه كنيد

<http://www.petitiononline.com/IFIRArdd/petition.html>

برای ارسال نامه نیز ميتوانيد از نامه های آماده مندرج در سايت همبستگي استفاده

اسلامی نوشته و در جريان تظاهرات دانشجويان در ۱۸ تير ۱۳۷۸ بشدت فعال بوده است. اردشير قلی پور از بدو ورود به استرالیا در ارتباط با فدراسيون سراسری پناهندگان ايرانی بوده و در سازماندهی و رهبری مبارزات پناهجویان در بازداشتگاهها نقش فعالی داشته است. اردشير اکنون به یکی از چهره های سرشناس در استرالیا تبديل شده و سازمانها و نهادهای متعدی از جمله انجمن بين الملليقلم در حمايت از اردشير دست به فعاليت زده اند. فدراسيون سراسرپناهندگان ايرانی، کلييه سازمانها، نهادها و انسانهای مدافع

**همبستگی فدراسيون  
سراسری پناهندگان  
ایرانی**  
۱۹ ژانویه ۲۰۰۵

**ملاقات با مسئولین  
کميساريای  
پناهندگان سازمان  
ملل در ژنو**

ادامه از صفحه اول

نجات و بهبود شرايط پناهندگان در ترکیه را صدر برنامه های کاری خود قرار

## نامه نازيلا محمد حسنی زمانی به کمیته بين المللی حمايت از آزاداندیشان

**جلسه بحث و تبادل نظر در گلاسکو**

**نظم نوین جهانی و حق پناهندي!**

بررسی اوضاع پناهندي و چگونگی مقابله با تعرض دول غربی به حق پناهندي

**سخنرانان:**

بهرام سروش، از مرکزيت حزب کمونيست کارگری ايران

سيامک امجدی، از دبیرخانه فدراسيون سراسری پناهندگان ايرانی

و سخنرانی از طرف حزب کمونيست اسکاتلند  
زمان: شنبه، ۱۲ فوریه ۲۰۰۵ - ساعت ۲ الی ۵  
بعداظهر  
مکان:

Napiers Hall Street Centre, 39  
Napiers Hall Street, Glasgow, G20  
برای اطلاعات بیشتر لطفا با علیرضا تهرانی با  
شماره تلفن: ۰۷۸۱۵۷۵۴۲۸۳ تماس بگيريد

نیست. هر سازمان و هر کسی که مایل است در دفاع از حق پناهندي من اقدام کند تشکر و قدردانی و حمايت من را با خود دارد. من عضو فدراسيون سراسری پناهندگان ايرانی میباشم و عنصري از اين نیروی جهانی مدافع حقوق پناهندگان هستم. اما دست یاری هر سازمان دیگری که در این راه یار و همگام می باشم. من معتقدم دفاع از حقوق انسانی دفاع از حق پناهندي من یا هر زن فرار

**نازيلا محمد حسنی  
زمانی**

**با احترام به کمیته بين  
المللی حمايت از آزاد  
اندیشان**

اینجانب نازيلا محمد حسنی زمانی پناهجویی که نزدیک به شش سال در ترکیه در انتظار برخوردار شدن از حق حمايت بين المللی و پناهندي می باشم، از فعاليتهايي که در حمايت از پرونده ام نموده اید نهایت تشکر را دارم .

اجازه دهید همین جا با صدای رسا، صریح و ساده بیان کنم، برای دفاع از حق پناهندي من هیچ اجازه نامه کتبی لازم

## مصافهای سیاسی تشکیلاتی فدراسیون در آلمان مصاحبه همبستگی هفتگی با وریا احمدی دبیر موقت فدراسیون در آلمان

واحدنا نافع‌المان را فعال کرده و واحد کم فعالمان را بشاش تر و قیراق تر و سرزنده تر کرده و در جاهایی که واحد نداشتیم واحدهای جدید ایجاد کنیم. در حال حاضر با تعدادی از واحدها جلسه داشتیم و به بازسازی آنها کمک کردیم در جاهایی واحدهای جدید راه انداختیم و آنها را برای مبارزاتمان داریم آماده میکنیم. در عرصه سازماندهی اعتراضات پناهندگی ما در آلمان داریم وارد یک فاز نوبتی از تعرض به حقوق پناهندگان میشویم. از اول همین ماه ژانویه قوانین جدید مهاجرت آلمان به اجرا در آمده و این مشکلات زیادی برای پناهجویان جدید و حتی قدیمی ایجاد کرده و زندگی آنها را مورد تهدید قرار داده است. براساس قانون جدید بسیاری از پناهجویان حق کار کردن را در آلمان از دست داده و حقوق اجتماعی شان قطع شده است. ما در حال جمع آوری این کیس ها و شکایات این پناهجویان هستیم و در تدارک یک کمپین وسیع علیه این بی حقوقی ها هستیم. بطور خلاصه واحدهای تشکیلاتی را بعنوان ستادها و کانون های توده ای مبارزاتی داریم میسازیم که به مصافهای مهمی در جبهه پناهندگی

بشنامیم .  
همبستگی هفتگی: تاکنون با سازمانها و وکلای زیادی تماس گرفته و جلسات متعددی با آنها داشته ایم. با سازمانهایی چون کاریتاس، پرو آسپیل، کاروان، هیچ کس غیرقانونی نیست و همچنین تعدادی از وکلای سرشناس و زنده تماس داشته و به توافقاتی در زمینه همکاریهای متقابل دست یافتیم.

همبستگی هفتگی: هدف از تماس با وکلای چیست؟ وکلای عموماً هدفهای معین و محدود حقوقی دنبال میکنند. این وکلای در پیشبرد کمپین های سیاسی چه کمکی میتوانند بکنند؟  
وریا احمدی: وکلای در کمپین های معین ما میتوانند کمک های بسیاری به ما و به کمپین فدراسیون بکنند. به ویژه در جاهایی که ما چالنج ها و نبردهایی داریم که در عرصه حقوقی باید به سرانجام برسند. موارد زیادی دیده شده که مثلاً حقوق یک خانواده را قطع کردند به این بهانه که امضا ندادند. این موارد با کمک وکلای زنده قابل پیگیری حقوقی است و میتوان علیه مسئولین و مقامات محلی شکایتهای قانونی کرد. استفاده دیگر ما از وکلای جهت توضیح ابعاد گسترده اعتراضات دولت آلمان در اشکال حقوقی آن برای پناهندهای است که به حقوق خود آشنایی ندارند. ما در تدارک جلساتی هستیم که با دعوت از این وکلای، بطور کامل و دقیق جزئیات کامل و مفصل این قوانین را برای پناهنده ها روشن کنیم. قطعاً این جلسات رو سعی میکنیم مکتوب کنیم و در

همبستگی هفتگی: به سوال دیگری پردازیم. جامعه آلمان و سازمانهای آلمانی در نقشه سیاسی تشکیلاتی تان چه جایگاهی دارند؟  
وریا احمدی: جایگاه مهمی دارند. بگنجانید اینجوری براتون بگم که کمپین های سیاسی ما در آلمان اهداف عمومی تری دارد. قوانین جدید در حقیقت وظایف جدیدتری که دفاع از حق پناهندگی بعنوان یک حق انسانی بطور علی العموم را روی دوش ما قرار داده است. طبعاً برای سازماندهی یک مبارزه عمومی نمیتوان تنها به طیف پناهندگان ایرانی بسنده کرد. خود این مبارزه ارتباطات وسیعتر و عمومی تری را از ما طلب میکند. بهر حال

بازبینی و بررسی مجدد قرار میدهد. یک نمونه از این ماجرا را ما دوسال پیش داشتیم که کودیک خانواده پناهنده ایرانی پس از تولد به دادگاه فراخوانند. در صورتیکه خانواده اقامت داشتند. این کودک در حالیکه یک هفته بیشتر نداشت دادگاهی شد و دو هفته از عمرش گذشته بود حکم دیپورت و اخراج از آلمان دریافت کرد. جالب اینجاست که طبق قوانین آلمان کودکی که به سن بلوغ قانونی نرسیده اند را نمیتوان دادگاهی کرد. این خود جنبه عمیقاً راسیستی و ضدانسانی این قضیه را نشان میدهد. این موضوع البته با کمک و دخالت فدراسیون حل شد. اما الان بطور خطرناک تری بر فراز سر دهها هزار پناهنده به پرواز درآمده است.

همبستگی هفتگی: بگنار کمی به قانون جدید پناهندگی در آلمان بپردازیم. گفتید که این قانون از اول ژانویه سال جاری بمرحله اجرا گذاشته شد. میتونید توضیح بدهید که این قوانین جدید چه تعرضات جدیدی را به حقوق پناهندگی اعمال میکند؟

وریا احمدی: البته همه قوانین جدید اجرا نشده. بخشی از آن را در واقع به اجرا گذاشته اند. ظاهراً این قوانین مشمول پناهجویان و خارجیانی میشود که تازه وارد آلمان میشوند اما در واقع ابعاد تعرض در قوانین جدید فراتر از این است و پناهجویانی که قبل از این تصویب این قوانین وارد آلمان شدند را نیز شامل میشود. بعنوان مثال در قانون قدیم کسیکه پناهندگی میگرفت یا به اصطلاح پاس ۱۶ دریافت میکرد تنها با ارائه اده و دلایل محکم این اقامت مورد بازبینی و بررسی مجدد قرار میگرفت. در حالیکه طبق قانون جدید کسیکه پناهندگی میگردد هر لحظه دولت میتواند در آن تجدید نظر کرده و این اقامت را از او بازپس بگیرد. بعد اینکه قبلاً اگر پناهجویی پاس ۱۶ میگرفت دیگر تجدیدنظری در کار نبود اما اکنون هر ۳ سال یکبار این اقامت اتومات مورد بازبینی و بررسی مجدد قرار گرفته و دولت میتواند در یکی از این بررسی های مجدد این اقامت پناهجو را گرفته و او را دیپورت کند. مثلاً الان بسیاری از پناهندگان عراقی در بررسی مجدد پاس هایشان را پس گرفته اند. بعضی اینکه پاس کسی را پس بگیرند بلافاصله حقوق و مزایای اجتماعی اش هم قطع میکنند. مورد دیگر پناهندگانی که در آلمان بچه دار میشوند از آنجاییکه که این بچه آلمانی نبوده و خارجی محسوب میشود باید درخواست پناهندگی یا پاس کنند. درخواست پاس برای نوزاد تازه بدنیا آمده اتومات پرونده پناهندگی کل خانواده را مورد

بازبینی و بررسی مجدد قرار میدهد. یک نمونه از این ماجرا را ما دوسال پیش داشتیم که کودیک خانواده پناهنده ایرانی پس از تولد به دادگاه فراخوانند. در صورتیکه خانواده اقامت داشتند. این کودک در حالیکه یک هفته بیشتر نداشت دادگاهی شد و دو هفته از عمرش گذشته بود حکم دیپورت و اخراج از آلمان دریافت کرد. جالب اینجاست که طبق قوانین آلمان کودکی که به سن بلوغ قانونی نرسیده اند را نمیتوان دادگاهی کرد. این خود جنبه عمیقاً راسیستی و ضدانسانی این قضیه را نشان میدهد. این موضوع البته با کمک و دخالت فدراسیون حل شد. اما الان بطور خطرناک تری بر فراز سر دهها هزار پناهنده به پرواز درآمده است.

همبستگی هفتگی: پناهجویانیکه تازه وارد آلمان میشوند با چه مشکلاتی مواجه میشوند؟  
وریا احمدی: هر پناهجو در آلمان حق دارد که سه بار پروسه دادگاه را سپری کند. قبلاً این سه بار پروسه دادگاهی بعضاً ۱۰ سال طول میکشید. در طول این مدت پناهجویان زیاد میگرفتند. کار میکرد. تحصیل میکرد. ازدواج میکرد و بالاخره موقعیتش طوری تغییر میکرد که بالاخره مشمول اقامت شود. اما الان این پروسه زمانی دادگاههای سه گانه را به سه هفته تقلیل داده اند. موضوع دیگر شکل نگهداری پناهجویان در کمپ ها نیز تغییر کرده است. پناهجویانیکه جدید به آلمان ورود کنند در همان مناطق مرزی در اردوگاههایی نگهداری کرده تا این پروسه پناهندگی را طی کنند. اگر قبول شدند که از اردوگاهها خارج شده و وارد جامعه میشوند و اگر درخواست اقامت و پناهندگی شان قبول نشد بی سروصدا از همان اردوگاه وی را دیپورت میکنند به کشور خودش. بدون اینکه کسی مطلع بشه یا اعتراضی علیه اخراجش سازمان پیدا کند. همچنین از آنجاییکه اغلب پناهجویان در این اردوگاهها دسترسی به سازمانهای پناهندگی نداشته خطر دیپورت آنها بسیار جلی خواهد بود.

همبستگی هفتگی: واکنش جامعه آلمان با تصویب چنین قوانین تامغز استخوان ضلنسانی چه بوده؟  
وریا احمدی: دولت آلمان با سیاست زیرکانه ای موفق به تصویب این قوانین شد. دولت در واقع همزمان طرح یک تعرض وسیع و عمومی به حقوق و امکانات رفاهی و

# آغاز و پایان يك تحسن و درس هایی از آن



## بابک شادی

حقوق پناهندگی همه پناهجویان در ترکیه از طرف کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل اعتراض می‌کردیم و خواهان رسیدگی فوری پرونده های همه پناهجویان بودیم و مشخصا خواهان اعطای قبولی به متحصنین بودیم.

تحصن ما در آنکارا نمونه و الگوی کوچکی از يك تلاش و مبارزه وسیعی است که فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در اقصی نقاط دنیا سازمان میدهد. من در واقع در پس این تحصن تازه متولد شدم. کارکترهای جدیدی پیدا کردم. معنی مبارزه متشکل و سراسری را با گوشت و پوست تم حس کردم. تحصن به من پوست و گوشت مبارزاتی دیگری داد. چیزیکه شاید در هیچ کتاب یا دانشگاهی نمیتوانستم بیابم. در این تحصن ما همبستگی را در لحظه لحظه های شورانگیز و پر اظطرابش بمعنی واقعی کلمه تجربه کردیم. در مبارزاتمان. در روابط عمیق دوستی و عاطفی مابین امان. در نگرش و دیدگاهیمان. در روابط اجتماعی مان با جامعه ترکیه. این تحصن در واقع بخش سازمان یافته زندگی مبارزتی ما را شکل داد.

**زنده باد فدراسیون  
سراسری پناهندگان  
ایرانی**

پایان

پذیرش حق پناهندگی من جلوه ای دیگر از قدرت و مبارزه متشکل و متحدانه را به نمایش گذاشت مهمترین درس این موفقیت آن بود که تنها با اتحاد و تشکل و همبستگی می توان برای حقوق انسانی خود جنگید و آن را بدست آورد. دقیقا ۲ هفته بعد از قبولی من در حالی که همچنان در بازداشت به سر میبردیم رفقا علیرضا و هادی هم مورد پذیرش کمیساریای عالی پناهندگان قرار گرفته که این خود يك خبر خوش و جلوه ای دیگر از پیروزی ما بود.

تحصن ما به بخشی از مطالبات خود رسید. با هماهنگی دبیرخانه سراسری تصمیم گرفتیم تحصن را خاتمه داده و برای رسیدن به بقیه مطالباتمان از اشکال دیگر مبارزاتی استفاده کنیم. پایان تحصن ما پایان کار و مبارزه ما برای حق پناهندگی نبود. حتی اکنون که این صفحات را می نویسم تلاش و مبارزه ما تمام نشده و هنوز یوان در مورد رفقا فریده اسدی و نازیلا زمانی پس از گذشت ۱۵ ماه هیچ عکس العملی انجام نداده است. خواسته ها و مطالبات ما جدا از خواسته های دیگر پناهندگان نبود ما در هر دیداری و گفتگو و مصاحبه با سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی علاوه بر نقض حقوق بشر و پایمال شدن حقوق فردی و مدنی مردم ایران توسط رژیم اسلامی در ایران به نادیده گرفتن

## قسمت سوم

خاطرم نبود که حزبی مدافع حقوق انسانها پشتیبانم است. خلاصه کم داشتیم خودم را در صورت بازگشت به ایران برای يك مبارزه جدید آماده می‌کردم.

در تاریخ ۲۳، ۱۰، ۲۰۰۳ رفیق مراد شیخی از فعالین فدراسیون از دانمارک برای پیگیری پروسه کار من به ترکیه آمد و در همان شب ورودش به ترکیه به دیدارم به بازداشتگاه آمده و من را ملاقات کرد. ۱ و بسیار به من روحیه داد. فردای آن روز یعنی بعد از دیدارم با رفیق مراد که خود را به پلیس اتباع خارجه به عنوان نماینده فدراسیون و عضو حزب کمونیست کارگری معرفی کرده بود ورق برگشت. سخت گیری ها نسبت به من شروع شد. مرا به سلول انفرادی منتقل کردند و برخورد بد تر از قبل شروع شد. اینها فقط به خاطر کمونیست بودن من بود. در کشوری لائیک که ادعای دموکراسی دارد و می خواهد به ادعایه اروپا هم ملحق شود !!! در همان روز نمایندگان کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل به محل بازداشتگاه آمده و با من مصاحبه ای ۱۵ دقیقه ای در مورد فعالیتیم در ایران و اینکه اگر به ایران برگردم چه بر سرم خواهد آمد انجام دادند. البته اکنون میفهمم که آن مصاحبه کاملا فورمالیته بوده.

آنچنان از اروپا تا آمریکا و از استرالیا گرفته تا کانادا فشار بر سر یوان زیاد بود که یوان ظرف ۳ روز

## دستگیری من، تلاش ما شمر داد

در تاریخ ۲۱، ۱۰، ۲۰۰۳ در حالی که ۷۵ روز بود تلاش ما شمر نداده بود و کم کم دیگر بچه ها داشتند روحیه مبارزاتی خود را از دست می دادند يك شوک بزرگ بر ما وارد شد هنگامی که شبانگاه خسته از تحصن و بعد از آن دیدار با حزب کمونیست ترکیه به همراه رفیق هادی به خانه بر می گشتیم به ناگاه من که به صورت قاچاق مشغول به زندگی بودم توسط پلیس ترکیه دستگیر شدم. شب اول من را به يك مرکز پلیس برده و در آنجا بازداشت کردند. فردا صبح من را قبل از تحویل به پلیس اتباع خارجه به بیمارستان بردند و بعد تحویل پلیس دادند. در این مرحله فعالیت رفقای ترکیه بسیار موثر بود آنها دقیقا از همان شب اول دستگیری من با رفقای خارج تماس حاصل کرده و فردای آن روز یوان و تمام سازمانهای حقوق بشر را در جریان وضعیت حاد من قرار دادند.

دقیقا در طی مدت هفته اول حضور در بازداشتگاه تنها چیزی که به فکرم خطور میکرد اولاً وضعیت بچه های متحصن در بیرون بود و سپس تجسم شکنجه گاهها و قتل گاههای جمهوری اسلامی که در صورت بازگشت چه بر سر من خواهد آمد. شاید آن موقع به علت وضعیت و شرایط بد روحی و ترس این موضوع در

# من بر نمیگردم

کمپین دفاع از حق پناهندگی زنان گریخته از جهنم جمهوری اسلامی



## صدهزار بار میگویم هرگز بر نمیگردم!

فریبا صدری

گفتم از دردها، از رنجهایی که بر ما شد، اما آنها با سکوت تحقیر آمیزی به ما گفتند: بسیار خوب آنچه را گفتمی

جهنم جمهوری اسلامی گریخته به فاشیستی که در آن جامعه جنگ، اعدام، ترور، اعتیاد، ام، گریخته ام به دلیل اعتراض زن را به بردگی می گیرد. اما شکنجه و زندان اینها عناوینی به وحشیگری، اعتراض به افسوس که در این دیار مدعیان است که جمهوری اسلامی در بیحقوقی، ستم و ظلم، اعتراض تمدن هم به درد دل ما کسی طول حکومت برای مردم به به تحقیر و توهین سیستمی که گوش نکرد و گفته هایما را ارمغان آورده میلیونها انسان را زن را به عنوان انسان به کسی نشنید. من فریاد کشیدم خواهم کشید. آنقدر فریاد آواره کرده، است. من هم از رسیمت نمیشناسند. اعتراض از شلاق و شکنجه، سنگسار خواهم کشید تا تمام مردم دنیا

حالا من به سئوالی دارم اینکه ممکن هست به ما امید بدید که ما میتونیم در این کشور (هلند) بدون ترس و وحشت زندگی کنیم.

## تنها برای یک جای امن برای زیستن

نامه شیرین یک دختر ۱۵ ساله پناهجو از هلند

سلام  
من این رو مینویسم برای دوست دارم که حالا شما بعضی وقتها من بچه های اونهارو ببینید که در چه دیگر رو میبینم که دارن با خانواده و دوستانشون بازی میخورن تا بتونه آروم بشه. میدونید که من در واقع چی میخوام یک مکان مطمئن و قربانی سیاست ها باشیم و ما اینک واقعا غمگین هستم و غمی بزرگ دارم و قصد دارم که وضعیتی هستند. در موردش براتون بگم. بعضی موقع ها فکر میکنم که میکنن و درست در همین زمان من یک دختر پانزده ساله اونها دیگه پدرو مادرم هست که من احساس بی ایرانی هستم و الان حدوداً نیستند. مادرم روی تخت دراز امنیتی میکنم و همچنان هر آدمی بری زیستن هست. که ما بتونیم در این کشور هشت ساله که ما در هلند میکشند و همش فکر میکنن میتروم که هر زمان ممکنه که بدر و مادرم همش فکر میکنن هستیم، بدون هیچ گونه خبری که حالا ما باید چه کار کنیم؟ ما رو از کشور هلند اخراج و فکر میکنن و من هستم که دال بر ماندن ما در اینجا و من میتونم بفهمم که شما در حال حرکت به مکانهای و ناراحتند. بخاطر اینکه هر مجبوریم که به ایران دلتنگی و اضطراب بشید. مختلف باشیم. وقتی یک زمان ما رو میخان بر گردونم برگردیم. این خلاصه همه اون اینک میتونید اینجا بمونید یا چیزی هست که شاید شما نه و هر زمان ممکنه که بیان بتونید بفهمید. من به همراه جلوی در و بگن که: خیلی زود مادرم اومدم به هلند. مادرم تو و خانواده تو اخراج میشین. خودت ارتباط پیدا کنی، احساس هم سازگاری با محیط حامله بود و بعد از هشت ماه حال پدرم از مادرم بدتره و اون پدرم به ما پیوست. والدین من دیگه قادر به هیچ کاری چیزهای جدیدی که بدست آومدهای بشاش و خوش و نیست. هر روز شش عدد قرص آوردی دوباره ترك کنی. بیگانه ایی بیشتر نیستیم.

## از رنج ها و امیدها

### پشت ابرهای خاکستری زندگی من

مونا میم

قسمت سوم

اما هیچ وقت نه بهانه گیری های پدرم و فراموش نمی کنم. پدرم هر هفته به من پول هفتگی میداد نه اختلافاتش با مادرم تمام شدنی بود. پدرم در کنار رفتارهای خشن و مرد در این فاصله برادرم نیز به اعضای خانواده ما اضافه شده بود. من هم کمی بزرگتر شده بودم و ۱۲ سال داشتم و شخصیتم کم کم شکل می گرفت با دخترهای هم سن و سالم خیلی متفاوت بودم دوست نداشتم به دلیل دختر بودن خود را ضعیف تر از پسران هم سن و سالم ببینم. دست به کارهای بزرگتر از سنم می زدم. به زبان عامیانه کارهای مردانه انجام میدادم و از کارهای رضایت داشتم و نهایت لذت را میبردیم. به طور مثال از نقاشی در و دیوار خانه مان گرفته تا پارو زدن پشت بام سیم کشی و کارهای الکتریکی هیچ و مادرم را دوباره به زندگیش برگرداند.

پدرم در زندگی اش هر بار که مرتکب اشتباهی می شد مادرم را محکوم میکرد تا آنجا که حافظه ام مرا یاری میکند قبل از اینکه دست به این ازدواج بزند مادرم را تهدید کرده بود اینچنین که مادرم برای يك مسافرت ۲ روزه همراه خانواده اش از پدرم اجازه خواسته بود.

پدرم هم به مادرم گفته بود در صورت رفتن به این مسافرت دست به ازدواجی مجدد خواهد زد خوب مسلما اینها همه بهانه واهی بود و هیچ وقت هیچ ازدواج مجددی دلیل منطقی ندارد ولی

خوب پدرم همانطور که گفته بود عمل کرد به هر حال همانطور که گفتم پدرم قولش را نگرفته و همسر دومش را طلاق نمی داد امروز فردا می کرد تا اینکه صبر مادرم لبریز شد و باز هم راهی منزل پدریش شد.

این بار موضوع جلی تر بود دیگر راز من و مادرم فاش شده بود مادرم شرط گذاشته بود تا طلاق همسر دوم پدرم بر نگردد.

پدرم بالاخره بعد از تنش ها و کشمکشها همسر دومش را طلاق داد و مادرم را دوباره به زندگیش برگرداند.

### زنجیرهای بردگی زندگیم

الف آزاد

من يك پناهجو هستم و قریب به ۲ سال است که در آنکارا زندگی می کنم. من با فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از طریق روزنامه همبستگی و خانم نازیلا آشنا شدم. با چگونگی یاری و حمایت این سازمان از بی پناهان ایرانی در این کشور غریب آشنایی کامل دارم و به این حرکتستان احسنت می گویم. همانطور که معلوم است اکثر ایرانیان پناهجو خاطرات تلخی را در ایران پشت سر گذاشته اند که شامل من نیز می شود.

از دوران نوجوانی و دبیرستان به بعد با شناختن ماهیت پوچ و ضد مردمی رژیم فعالیت های سیاسی ام را آغاز کردم. در این سالهای طولانی با گروههای مختلف مخالف رژیم همکاری داشتم. که این فعالیت ها در ایام دانشگاه به اوج خود رسید. اما این سرگذشت ارتباطی به فعالیت های سیاسی ندارد. این حکایت يك رخداد اجتماعی است یا می توان گفت يك چالش اجتماعی که گریبانگیر بسیاری از اقشار ایرانی است و باعث و بانی تمامی این اوضاع وخیم اجتماعی را می توان جمهوری اسلامی قلمداد کرد. من بعد از اتمام دانشگاه و خدمت سربازی مشغول به کار شدم تا سرمایه ای جمع کرده و وضعیت خانواده ام را سر و سامان ببخشم. تا اگر موقعیتی پیش آمد ازدواج کنم. سرپرستی خانواده به عهده من بود. پدرم در سال آخر دانشگاه که بودم، فوت شد. از آنموقع تمام وظایف خانوادگی به گردن من افتاد. بدین طریق چند سالی را با خانواده ام به خوبی سر کردم. پس از چند سالی کار و تلاش در تهران با يك خانواده اصفهانی الاصل آشنا شدم. البته نا گفته نماند که من خودم آذری هستم و همین باعث شد که تمام همکارانم و فامیل يك صدا مثل قبیله با من با باز کند پرواز را آواز دهند. اما غرور جوانی و احساس هر چه سریعتر تشکیل خانواده مرا به طرفه کرسی نشانند رای خود سوق داد. اما مطلبی که بعد از این می خواهم عنوان کنم ممکن است مورد

تایید خوانندگان قرار نگیرد. در يك نشریه خوب به نظر من نظرات و انتقادات مختلف را آزادانه ارزیابی کرده و با گرفتن ما حاصلی قابل قبول راهنمای زندگی بهتر برای اقشار مختلف خوانندگان خود خواهد شد. شاید شما خوانندگان این مقاله از يك رسم قدیمی که در بعضی از نقاط ایران هنوز هم مرسوم است بی اطلاع باشید. و آن رسم ازدواج در بخشی از ایران می باشد و آن شرایط ازدواج است که در این نواحی مرسوم است. پسر باید برای گرفتن نظر قبولی خانواده دختر يك ملك يك واحد منزل مسکونی و يك اتومبیل در مهریه همسر خود منظور کند. البته ممکن است برای کسانی که در خارج کشور متولد شده و بالغ شده اند این امر بسیار عجیبی بیاید ولی خوب این مسائل در فرهنگ ما نقش اساسی را بازی میکند. و همه اینها ازدواج را در حال حاضر سخت و دشوار کرده است. می توان گفت که در هیچ جای دنیا سابقه ندارد. تمام این مسائل باعث بالا رفتن طلاق و یا ترسیدن جوانان از ازدواج شده است. در صورتی که در همین کشور ترکیه ازدواجهای آسانی به انجام میرسد و دست و پایی جوانان را نمی بندد. بالاخره من با گرفتن نظر قبولی خانواده همسر این کار را انجام دادم و صرف هزینه بسیار بالا و قبول سکه های طلای بیشماری به مهریه (این طلای نایاب را) به ازدواج خود در آوردم. ادامه دارد

## به فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پیوندید

## صدای قفل کمپ ها در هلند

کیوان قدیری



وی غیر مجاز وارد کمپ شده (در صورتی که او کارت ورودی و مهمان را از درب ورودی و محافظت دریافت کرده بود) و جهت اخلاص در امور و سعی در

وجود آوردن ناآرامی توسط پلیس دستگیر و هیچ توهینی را از وی ابا نکردند. با تفتیش بدنی و اهانت و حتی بد رفتاری جسمی به صورتی که به شدت او را هل داده که در نتیجه با صندلیهای کنار موجود در اتاق برخورد کرده و به زمین افتاد و سرانجام پلیس با دستبند او را از کمپ خارج کرد.

ولی این همه ماجرا نیست ساکنان کمپ در حال سازماندهی حرکت دیگری هستند و امیدوارند که سازمانهای مدافع حقوق بشر و پناهندگی به یاری آنان آمده و در این راه کمکشان کنند. آنان مشتاقانه منتظر یاری شما هستند. **دراگن** فقط گویان زمان، ما را به خود فرا داستان آنجا نیست. داستان

همه کسانی است که در این کشور و دیگر کشورها چه پناهنده جو و چه پناهنده گریز قربانی سیاست های غیر انسانی حکومت ها و متعاقب آن با هم پیمانان اروپایی آن شده اند.

در مورد ایرانیان می توان گفت که ما قربانیان تجارت و معاملات پشت پرده و جلو پرده چندمیلیارد دلاری حکومت زور و غیر انسانی و مستبد ایران با اتحادیه اروپا شده ایم. همانهایی که با کمک به آخوندهایی که تا دیروز جایی جز کنج مساجد و تکیه ها

مقامات بالا مذاکره خواهد کرد و این تصمیم را تا ۱۸/۰۱/۲۰۰۵ به تعویق خواهد انداخت در واقع این دفعه الی وقتی بیش نبود تا آنان بتوانند جو ناآرام کمپ را خنثی کرده و از شگرد دیگری جهت انجام این دستور العمل استفاده کنند. پس از تعطیلات سال نو

نامه هایی به بعضی از ساکنان کمپ دادند و با هر بهانه ای سعی داشتند که از آنان امضا بگیرند. این نامه بیشتر به افرادی داده شد که در آن حرکت اعتراضی نقش مستقیمی داشتند و در مواردی به چند تن از این افراد گفته شد که اگر این نامه های به اصطلاح ساده را امضا نکنند سرو کارشان با خانم فردونک وزیر مهاجرت هلند خواهد بود.

در این زمان خانم ۶۰ ساله ای بنام بتی که قبلاً به عنوان معلم داوطلب در آنجا مشغول به کار بود و بخاطر ارتباط نزدیک با پناهندگان و فعالیتهای او در جهت حقوق پناهندگان او را از ادامه کار منع کرده و در آن حرکت اعتراضی وی نقش هماهنگ کننده بین احزاب و رسانه های گروهی را داشته است و در این روز برای دیدار از یکی از

ساکنین کمپ و توزیع لباس و اسباب بازی وارد کمپ شده بود را بصورت توهین آمیزی دستگیر کرده و به بهانه اینکه

تابعیت هلند دریافت نداشته- اند که در واقع به کسانی که پرونده اشان باز است اطلاع بدست آوردن در هلند شرایط به

گونه دیگری در حال ورق خوردن است. دولت هلند با فشار آوردن به همه مراکز نگهداری از پناهندگان آنان را در تنگناهای دشوارتری قرار داده

است. بر اساس دستورالعمل COA، سازمان مرکزی نگهداری از پناهندگان که در سال ۲۰۰۴ و در ادامه در ژانویه ۲۰۰۵ به کلیه پناهندگان اعلام کرده، همگان میبایست ورقه ایی را امضا کنند مبنی بر اینکه در صورت امضا این ورقه کارکنان COA دسترسی جهت تسریع در امور اداری و پزشکی آنان خواهد داشت. در پایین این ورقه نیز قید شده بود که: (امضا این ورقه اجباری نیست) ولی در اصل کارکنان COA آنان مجبور به امضا میکردند. بیست روز قبل از سال نو میلادی دستورالعملی طی نامه ایی به ساکنین کمپ ها اعلام شد که COA قصد طبقه بندی همه پناهندگان را دارد. این تقسیم بندی شامل دو گروه از افراد خواهد شد:

۱- گروه اول کسانی که تا کنون هیچ گونه جواب و تصمیم مثبتی از دادگاه یا IND سازمان مهاجرت و

پس از پیروزیهای چشم گیری که مهاجرین و پناهندگان در دو کشور اسپانیا و بلژیک بدست آوردن در هلند شرایط به گونه دیگری در حال ورق خوردن است. دولت هلند با فشار آوردن به همه مراکز نگهداری از پناهندگان آنان را در تنگناهای دشوارتری قرار داده است. بر اساس دستورالعمل COA، سازمان مرکزی نگهداری از پناهندگان که در سال ۲۰۰۴ و در ادامه در ژانویه ۲۰۰۵ به کلیه پناهندگان اعلام کرده، همگان میبایست ورقه ایی را امضا کنند مبنی بر اینکه در صورت امضا این ورقه کارکنان COA دسترسی جهت تسریع در امور اداری و پزشکی آنان خواهد داشت. در پایین این ورقه نیز قید شده بود که: (امضا این ورقه اجباری نیست) ولی در اصل کارکنان COA آنان مجبور به امضا میکردند. بیست روز قبل از سال نو میلادی دستورالعملی طی نامه ایی به ساکنین کمپ ها اعلام شد که COA قصد طبقه بندی همه پناهندگان را دارد. این تقسیم بندی شامل دو گروه از افراد خواهد شد:

نداشتند و با حمایت دستگاههای سیاسی و خبری و رسانه های گروهی غرب چنگ در کالبد ایران زدند و همان کردند که همه دلهای هشیار و بیدار بشریت از یاد آوری آن جز شرم چیزی دیگری بخاطر نخواهد آورد. ولی آنچه که بنظر میرسد چاره کار در اتحاد و تشکیلات همه کسانی است که درد مشترک حس مشترک و آرمان مشترک دارند.

آزادی و برابری این آرمان بزرگ بشریت دور افتاده در کنج ویرانه های جنگ و زور و محبوس شده در چنگال زور گویان زمان، ما را به خود فرا میخواند، نگاهی گذرا به همه جنبش های آزادیخواه این پیام نوید بخش را به ما میدهد که آن فقط يك آرمان نیست بلکه با اتحاد و سازماندهی در راستای يك هدف مشترك ما خواهیم توانست و واقعاً خواهیم توانست به آن دست

یابیم. ما از همین جا دست های پر تلاشتان را میفشاریم و به جمع خودمان خوش آمد میگوییم.

چه کسی می خواهد منو تو ما نشویم خانه اش ویران باد من اگر ما نشوم تنهایی تو اگر ما نشوی خویشتنی چه کسی می خواهد منو تو ما

# ایران در آینه نقض حقوق مدنی

سنگسار ، شلاق زدن به صورت حد و تعزیر در قوانین هست

علیزاده رئیس دادگستری تهران: درباره بیانیه اخیر اتحادیه اروپا گفت: ما با اتحادیه اروپا و کسانی که در آن قسمت کار می کنند اختلاف نظر فرهنگی و قانونی با آنها داریم. در برخی چیزها، با آنها مثل بازداشت غیرقانونی و یا شکنجه غیرقانونی، وحدت نظر داریم. برخی چیزهای دیگر هم هست که ما در قانون داریم اما آنها قبول ندارند مثل شلاق زدن که به صورت حد و تعزیر در قوانین ما هست، این را آنها نمی توانند ایراد بگیرند چون قانون کشور ماست، وی ادامه داد: مواردی مثل سنگسار کردن هست که آنها تصور می کنند که نقض قانون بشر می شود؛ اولاً ببینید رجم در قانون هست اما این جور نیست که حتماً باید رجم باشد، بستگی به این دارد که چه جور حکم بدهد.

## اعلامیه گروه نظارت بر حقوق بشر

گروه موسوم به نظارت بر حقوق بشر که در آمریکا مستقر است در گزارش سالانه خود درباره وضعیت حقوق بشر در جهان که روز پنجشنبه منتشر شد، بخشی از این گزارش را به ایران اختصاص داده است. این گزارش می نویسد: "شکنجه و بدرفتاری در طول دوره بازداشت، از جمله حبس نامحدود انفرادی، منظمًا برای تنبیه ناراضیان به کار گرفته می شود. نقض حقوق بشر توسط آنچه ایرانی ها نهادهای موازی می خوانند انجام می شود: ماموران اطلاعاتی در لباس

شخصی، گروه های شبه نظامی که با خشونت به گردهمایی های مسالمت آمیز ناراضیان حمله می کنند و زندان های مخفی و غیرقانونی و مراکز بازجویی که توسط دستگاه های اطلاعاتی اداره می شوند. نظارت بر حقوق بشر اشاره می کند که پس از آغاز سرکوب گسترده مطبوعات در سال ۲۰۰۰ امروز تنها معدودی روزنامه مستقل باقی مانده است و روزنامه ها راه خودسانسوری شدید را در پیش گرفته اند. به گفته این گروه مقام های ایرانی در سال ۲۰۰۴ همچنین اقدام به مسدود

کردن وب سایت های اینترنتی که اخبار و تحلیل مستقل ارائه می کنند کردند و نویسندگانی را که با استفاده از این رسانه به انتشار اطلاعات و انتقاد از حکومت می پرداختند دستگیر کردند. با بسته شدن روزنامه ها و نشریات مستقل، رفتار با افراد تحت بازداشت در زندان اوین و سایر بازداشتگاه هایی که به طور مخفیانه توسط قوه قضایی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اداره می شود به وخامت گراییده است. به نوشته این گروه "شکنجه شدید جسمی به خصوص علیه فعالان دانشجویی و سایر کسانی که از شهرت روشنفکران و نویسندگان مسن تر برخوردار نیستند به کار گرفته می شود.

## سه متهم پرونده هواپیماربابی اعدام می شوند

متهمان پرونده هواپیماربابی که چندی پیش حکم اعدامشان از سوی دیوان عالی کشور به اتهام ارباب، تأیید شده بود، اعدام می شوند.

## حمید عیدینژاد

محمود علیزاده طباطبایی، وکیل مدافع خالد هردانی فرهنگ و شهرام پورمنصوری، گفت: قرار بود این حکم صبح روز سهشنبه اجرا شود که با مراجعه به دادگاه انقلاب، توانستم موافقت این دادگاه را برای تعویق اجرای این حکم، جلب کنم.

## اعدام افراد زیر ۱۸ سال

ایلنا: فیمه حاج محمدعلی، وکیل پایه یک دادگستری، گفت: در حال حاضر در کانون اصلاح و تربیت و رجایی شهر حدود ۳۰ نفر افراد زیر ۱۸ سال وجود دارند که برای آنها حکم اعدام صادر شده است.

## دادگاه عضو کانون نویسندگان

دادگاه محسن حکیمی؛ عضو کانون نویسندگان ایران در شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان سقز برگزار شد. وکیل محسن حکیمی گفت: در جلسه رسیدگی امروز اتهامی که به موکلم تفهیم شد؛ هوداری از جریان غیرقانونی کومه از طریق شرکت در تجمع غیرقانونی روز جهانی کارگر و ارتباط با سران حزب غیرقانونی مزبور بود. وی تصریح کرد: در جلسه امروز امکان حضور سایر افراد به عنوان تماشاچی فراهم نشد، بنابراین رسیدگی عملاً به صورت غیرعلنی برگزار شد. گفتنی است؛ محسن حکیمی از اعضای کانون نویسندگان ایران است که به دعوت تعاونی کارگران شهرستان سقز، جهت سخنرانی در مراسم روز جهانی کارگر در ایم برنامه حضور داشت که پیش از حضور در محل برگزاری مراسم، بازداشت شده بود.

## اخبار اعتراضات کارگری

کارگران شرکت "سیانا"

کارگران شرکت "سیانا" که خواستار دریافت حقوق و مزایای قانونی خود هستند، در مقابل ساختمان خانه کارگر ساوه به تجمع اعتراض آمیزی دست زدند. مهدی زمانی نوری، دبیر اجرایی خانه کارگر ساوه گفت: در شرکت صنایع مواد غذایی سیانا که تولید کننده انواع کیک، بیسکویت و ماکارونی است، در سال ۷۵ متجاوز از ۷۰۰ کارگر مشغول کار بودند که به علت بروز حادثه آتش سوزی در تیرماه همان سال بی کار شدند. وی افزود: به نظر می رسد؛ بروز حادثه آتش سوزی ساختگی بود و به منظور شانه خالی کردن کارفرمای شرکت "سیانا" از تعهدات قانونی و کاهش و تصفیه نیروی کار صورت گرفت.

**کارگران سد "زیردان"**  
کارگران سد "زیردان" که زیر نظر پیمانکار فعالیت می کنند، به علت عقب افتادگی ۵ ماهه حقوقشان، دست از کار کشیدند. شنیده ها حاکی است که پیمانکار این سد، علاوه بر کارگران، به فروشگاه ها و اشخاص نیز بدهکار می باشد.

**یک هزار کارگر "کشت و صنعت مغان" اخراج میشوند**  
بیش از یک هزار نفر از کارگران "کشت و صنعت مغان"، اعم از قراردادی و رسمی از کار برکنار می شوند. در کشت و صنعت مغان حدود ۵ هزار کارگر مشغول کار هستند که به بهانه ازدیاد و اضافه بودن نیرو، مدیران به فکر تعدیل و برکناری تعدادی از آن ها هستند.

## همبستگی

نشریه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

سردبیر:

فرشاد حسینی

آدرسها:

سایت اینترنتی همبستگی:  
Www.hambastegi.org

پست الکترونیکی:

iffr@ukonline.co.uk  
شماره تلفن:

0031613940534  
شماره فاکس:

0017345386165

## تلویزیون همبستگی

هر سه شبه ها ساعت:  
22—21.30

مشخصات فنی تلویزیون:

Satellite: Telstar 12  
Center Frequency:  
12608 MHz  
Symbol Rate: 19279  
FEC: 2/3  
Polarization: horizontal

## رادیو همبستگی

هر شبه ساعت:  
21 - 21.15

طول موج رادیو:

۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰  
کیلوهرتز

به فدراسیون  
سراسری  
پناهندگان  
ایرانی کمک مالی  
کنید